

کودک آزاری، علل و پیامدهای آن با تأکید بر سوء رفتار عاطفی و روانی

مهناز نوبهاری^۱

^۱ مددکار اورژانس اجتماعی، شهرستان نظرآباد

نویسنده مسئول:

مهناز نوبهاری

چکیده

نقش والدین از مهمترین و حیاتی‌ترین مؤلفه‌های پرورش و تربیت کودک است و چنانچه والدین برای ایفای چنین نقش اساسی جامعه‌پذیر نشده باشند، نمی‌توانند به طور مناسب با فرزندان خودشان برخورد داشته باشند که نتیجه آن بروز شیوه‌های نامناسب والدین است. یکی از شیوه‌های نامناسب برخورد والدین کودک‌آزاری است. کودک‌آزاری به انواع و اقسامی تقسیم می‌شود که یکی از خطرناک‌ترین آنها کودک‌آزاری عاطفی و روانی است. در این مقاله ضمن پرداختن به مشکلات تعریف مفهومی و اندازه‌گیری کودک‌آزاری سعی شده تا به علل و پیامدهای کودک‌آزاری عاطفی و روانی پرداخته شود. در پایان به برخی از راه‌حل‌های کاهش این مسأله نیز اشاره شده است. از یافته‌های مهم این تحقیق می‌توان گفت که اگرچه سوءاستفاده عاطفی و روانی زیربنای سوء استفاده جسمی و جنسی و بی‌توجهی است، اما ممکن است به تنهایی نیز وجود داشته باشد. سوءاستفاده عاطفی و روانی در برخورد با کودکان به شکل‌هایی چون طرد و رد کردن، منزوی‌سازی، ایجاد وحشت، نادیده گرفتن و تخریب کردن آنها، از بین بردن اموال شخصی و شکنجه حیوانات خانگی متعلق به کودکان، بروز می‌کند.

کلمات کلیدی: کودک‌آزاری، کودک‌آزاری روانی، سوء رفتار والدین.

مقدمه

امروزه کودک آزاری و غفلت بطور گسترده به عنوان یک معضل بزرگ اجتماعی و سیاست در ایران و در سراسر جهان شناخته شده است. در طول ۵۰ سال گذشته، ایران و بسیاری از کشورهای جهان با تلاش‌های قانونی، انواع برنامه‌ها و مداخلات و تلاش‌های سازمانی برای شناسایی، پاسخگویی و جلوگیری از سوءاستفاده و غفلت کودکان وابسته، به کودک آزاری و بی‌توجهی به کودکان پاسخ داده‌اند. امروزه، سازمان‌های بی‌شمار محلی، ملی و بین‌المللی، جوامع حرفه‌ای و گروه‌های مدافع وجود دارد که به پیشگیری و معالجه کودک آزاری و غفلت اختصاص داده شده‌اند. رئیس اورژانس اجتماعی کشور به آمارهایی از وضعیت خشونت و آزار کودکان در کشور اشاره کرد و گفت: در سال گذشته ۳۱ درصد مداخله در خودکشی برای کودکان زیر ۱۸ سال داشته‌ایم.

رضا جعفری در نشست خبری به مناسبت هفته ملی کودک، گفت: سال گذشته یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در اورژانس اجتماعی پذیرش شده‌اند که ۳۰ درصد آنها مربوط به خشونت خانگی اعم از کودک‌آزاری، معول‌آزاری، سالمندآزاری و والد‌آزاری بوده است. وی ادامه داد: ۴۰ درصد از موارد خشونت خانگی مربوط به کودک‌آزاری است که ۵۰ درصد آن مربوط به غفلت و بی‌توجهی، ۳۰ درصد آزار جسمی، ۱۶ درصد روانی و عاطفی و ۴ درصد جنسی بوده است (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۲).

کودک آزاری به عنوان شیوه‌های نامناسب والدین^۱ مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. شیوه‌های نامناسب والدین، به طور عینی با معیارهای «کودک در معرض خطر بودن» تعریف شده‌اند. این معیارها عبارتند از:

۱. بر اساس نیاز والدین عمل کردن نه نیازهای کودک؛
۲. انتظارات غیرممکن از کودک داشتن.
۳. نقاط قوت / محدودیت‌ها / نیازهای کودک را نادیده می‌گیرد. نوعی بی‌زاری به نقش والدین را نشان می‌دهد.
۴. رویکردهای انضباطی شدید و خشن استفاده می‌کند، از جمله خشونت، تهدید و حمله کلامی.
۵. به طور کلی مراقبت‌های اساسی و یا پشتیبانی از کودک را به عمل نمی‌آورد.
۶. عمداً ناامیدی‌ها را در کودک به وجود می‌آورد و خود را درستکار و ذی‌حق می‌داند (برنز، ۲۰۱۳).

معضل تعریف

یکی از ماندگارترین مشکلات در زمینه کودک آزاری و بی‌توجهی، ایجاد یک تعریف مفید، واضح، قابل قبول و پذیرفته از «سوء استفاده»^۲ و «غفلت»^۳ است. تعریف آنچه سوءاستفاده و غفلت است یا نیست در هسته اصلی تحقیق، مداخله، پیشگیری و سیاستگذاری اجتماعی قرار دارد. محققان باید تعریفی از سوء استفاده و غفلت داشته باشند تا بتوانند در ابتدایی‌ترین مطالعات در مورد میزان، عوامل خطر و دلایل شرکت کنند. کسانی که موظف به گزارش بدرفتاری با کودک هستند، نیاز به معیار یا استاندارد دارند تا مشخص کنند چه چیزی باید گزارش شود و چه چیزی نباید و با وجود این، هنوز تعریف گسترده‌ای از سوء استفاده و غفلت مورد قبول واقع نشده است. در ۵۰ تعریف در قوانینی که گزارشگری را موظف می‌دانند، تنوع قابل توجهی دارند.

در هسته اصلی مسئله تعریف، تصمیم‌گیری در مورد آنچه رفتار و مراقبت والدین را مناسب و نامناسب می‌داند، وجود دارد. آیا زدن یک روش مناسب و حتی لازم برای کودکان در زمینه نظم و انضباط است یا سوء استفاده جسمی است؟ بیشتر افراد متفق القول هستند که یک فرد بالغ که دارای رابطه جنسی با فرزند خردسال است، سوءاستفاده جنسی است. اما اگر کودک ۱۳، ۱۴ یا حتی ۱۷ ساله باشد، چه می‌شود؟ از نظر قانونی یک کودک ۱۷ ساله است، اما اگر رابطه جنسی بر اساس رضایت و اجماع باشد، سوءاستفاده است؟ بیشتر افراد موافق هستند که رفتار مناسب والدین شامل تهیه غذا و سرپناه برای کودکان است. اما اگر فقر توانایی والدین را جهت ارائه این اقلام محدود می‌کند، آیا این غفلت است؟ مجموعه بی‌نهایت سوالات و معضلات وجود دارد که در آن نمی‌توان خط رفتار مناسب و قابل قبول را در مقابل رفتار نامناسب و غیرقابل قبول ترسیم کرد.

¹ . Inappropriate Parenting Practices

² . abuse

³ . neglect

در افراط و تفریط توافق کلی وجود دارد که مناسب و نامناسب چیست، اما حوزه حد وسط مورد بحث جدی است. بحث وقتی عمیق تر می شود که تغییرات فرهنگی را در جامعه خود و جوامع مختلف در نظر بگیریم. در بعضی از فرهنگ ها، برش تناسلی زن (یا آنچه به آن ختنه زنان یا مثله شدن دستگاه تناسلی خوانده می شود) قابل قبول و حتی مصور است. آیا می توان گفت ختنه زنان نوعی بدرفتاری با آنان است؟ (شفیع پور، ۱۳۸۰).

آنچه به عنوان سوءاستفاده و غفلت تعریف می شود در جوامع، گروه های فرهنگی و حتی در طول زمان تاریخی متفاوت است. اولین تمرکز کمپ و همکارانش به سوءاستفاده جسمی یا آنچه که آنها «کودک مورد ضرب و شتم» می نامیدند محدود شد. در ۵۰ سال بعد، نگرانی برای بهزیستی کودکان نیز گسترش یافت، بنابراین تعریف کودک آزاری و بی توجهی به کودک نیز انجام شد. در نسخه ۱۹۷۴ قانون، سوء استفاده و غفلت به این شرح تعریف شده است:

آسیب جسمی یا روحی، سوءاستفاده جنسی، رفتار غیرقانونی یا بدرفتاری با کودک زیر هجده سال توسط شخصی که مسئولیت رفاه کودک را بر عهده دارد تحت شرایطی که نشان می دهد به سلامتی و رفاه کودک آسیب دیده یا از این طریق تهدید شده است (حقوق عمومی ۹۳-۲۳۷).

جدیدترین مجوز قانون پیشگیری و درمان کودک آزاری که در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید، کودک آزاری و بی توجهی را اینگونه تعریف کرد.

اصطلاح «کودک آزاری و غفلت» به معنای حداقل، هرگونه اقدام اخیر یا عدم عمل از جانب والدین یا سرپرستان است که منجر به مرگ، آسیب جدی جسمی یا عاطفی، سوء استفاده جنسی یا استثمار جنسی یا یک عمل یا عدم عملی که خطر قریب الوقوع آسیب جدی را به همراه دارد (خوشابی، ۱۳۸۷).

اصطلاح «سوءاستفاده جنسی» شامل (الف) اشتغال، استفاده، اقناع، تحریک یا اجبار هر کودکی برای مشارکت یا کمک به هر شخص دیگری برای مشارکت در هرگونه رفتار صریح جنسی یا شبیه سازی چنین رفتاری برای هدف از تولید تصویری از چنین رفتاری؛ یا (ب) تجاوز جنسی و در مواردی که به سرپرستی یا روابط خانوادگی مربوط است، تجاوز قانونی، تجاوز جنسی، فحشا، یا شکل دیگری از سوءاستفاده جنسی کودکان، یا محارم با کودکان انجام می شود.

اصطلاح «خودداری از معالجه از نظر دارویی» به معنای عدم پاسخگویی به شرایط تهدیدکننده زندگی نوزاد با تهیه درمان (از جمله تغذیه مناسب، بهداشت و دارو) است که قضاوت آن بر عهده پزشک کودکان است.

اول، هر کشور تعریف قانونی خود را درمورد بدرفتاری با کودکان دارد و تعاریف آن متفاوت است. دوم، کارکنان کار بهزیستی کودک و قضات دادگاه خانواده و نوجوان در نحوه اعمال تعاریف دولت در جریان کودک آزاری و غفلت از تحقیقات و اقدامات دادگاه متفاوت هستند. سوم، محققان باید تعاریف را «عملیاتی» کنند. یعنی آنها باید تعیین کنند که چگونه آنها بطور واقعی کودک آزاری و غفلت را اندازه گیری می کنند. در اینجا، تفاوت چشمگیری نیز در چگونگی تعریف مفهوم «کودک آزاری و بی توجهی به کودک» وجود دارد. سرانجام، تعاریف حقوقی و بهره برداری از تحقیقات به تعاریفی منتهی نمی شوند که بتوانند در فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها اعمال شوند.

تمام مشکلات فوق از این واقعیت ناشی می شود که هیچ استاندارد جهانی برای آنچه فرزندپروری مطلوب را تشکیل می دهد وجود ندارد. بنابراین، هیچ استاندارد جهانی برای آنچه کودک آزاری و غفلت محسوب می شود وجود ندارد (کوربین، ۱۹۸۱). دیوید فینکلور و جیل کوربین^۴ (۱۹۸۸) پیشنهاد می کنند که تعریف کودک آزاری و غفلت باید: ۱- تعریفی باشد که سوء استفاده اولیه از کودک را از مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی تفکیک کند. ۲- توصیه بعدی این است که برخی از مواردی که در جوامع غربی کودک آزاری به حساب می آید، در جوامع دیگر از اهمیت بسیار کمی برخوردار است و بالعکس.

4. Finkelhor and Korbin

وسعت کودک آزاری و غفلت

همانطور که در بخش قبلی توضیح داده شد، کودک آزاری و غفلت یک اصطلاح کلی است که طیف گسترده‌ای از اعمال اجباری و نادیده گرفتن را شامل می‌شود، یا توسط سرپرست کودک انجام می‌شود یا اجازه می‌دهند که اتفاق بیفتد و منجر به طیف وسیعی از صدمات از مرگ، تا آسیب و ناتوانی جدی، اختلال عاطفی، سوء تغذیه و بیماری می‌شود. کودک آزاری و غفلت می‌تواند اشکال مختلف و متنوعی به خود بگیرد. دفتر کودک آزاری و غفلت اشکال مختلف سوء رفتار را به شش نوع عمده طبقه بندی می‌کند (Barlow and MacMillan, 2010).

۱. سوءاستفاده جسمی: ^۵ ارتکاب اعمالی که منجر به آسیب جسمی از جمله مرگ به کودک شود.
۲. سوءاستفاده جنسی: ^۶ ارتکاب اعمالی از جمله حمله یا نفوذ، سوء استفاده از تماس دستگاه تناسلی یا سایر انواع اعمال جنسی که در آن از کودکان برای تأمین رضایت جنسی برای مجرم استفاده می‌شود.
۳. سوء استفاده عاطفی: ^۷ ارتکاب اعمالی که شامل حبس، بدرفتاری کلامی یا عاطفی یا انواع دیگر سوءاستفاده‌ها از قبیل خوابیدن، غذا یا پناهگاه باشد.
- ۴- غفلت جسمی: ^۸ اعمال نادیده گرفتن که شامل امتناع از ارائه خدمات درمانی، تأخیر در ارائه خدمات درمانی، رها کردن، اخراج کودک از خانه، نظارت ناکافی، عدم تأمین نیازهای غذایی و پوشاک و عدم موفقیت آشکار در حمایت از کودک در مقابل خطرات یا خطر است.
۵. غفلت آموزشی: ^۹ غفلت و عدم انجام وظایف که شامل مجاز بودن مدرسه گریزی مزمن، عدم ثبت نام فرزند در مدرسه و عدم توجه به نیازهای خاص تحصیلی است.
۶. غفلت عاطفی: ^{۱۰} اعمال نادیده گرفتن که شامل عدم برآورده کردن نیازهای تغذیه ای و عاطفی کودک، قرار گرفتن کودک در معرض سوء استفاده‌های مزمن یا شدید همسر، قرار دادن یا اجازه دادن به کودک برای استفاده از الکل یا مواد کنترل شده، تشویق کودک به مشارکت رفتار ناسازگار، امتناع از ارائه خدمات روانشناختی، تأخیر در ارائه خدمات روانشناختی و عدم توجه به نیازهای دیگر رشد کودک.

سنجش کودک آزاری و غفلت

علاوه بر مشکلات تعریف و عملیاتی کردن اصطلاح کودک آزاری و غفلت، کم توجهی مسئولان و یا نداشتن بودجه و کادر مناسب نیز بر مشکلات قبلی افزوده می‌شود. در کشور ما کارهای قابل توجهی صورت گرفته است ولی تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی وجود دارد. در اینجا به عنوان نمونه یکی از ابزارهای سنجش کودک آزادی و غفلت را که توسط کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ایران ارائه شده مطرح می‌کنیم. در این پرسشنامه طراحی شده موضوع کودک آزاری را به سه حیطه روانی و عاطفی؛ فیزیکی و غفلت تقسیم کرده و کوشیده‌اند با طرح گویه‌های مناسب موضوع را اندازه‌گیری کنند.

⁵ . Physical Abuse

⁶ . Sexual Abuse

⁷ . Emotional Abuse

⁸ . Physical Neglect

⁹ . Educational Neglect

¹⁰ . Emotional Neglect

پرسشنامه طراحی شده کودک آزاری در ایران

بخش روانی

و عاطفی

- ۱ آیا در خانه تو را مسخره می کنند، مثلاً "به تو می گویند که بچه احمق یا بی عرضه ای هستی؟
- ۲ آیا در خانه تو را فحش می دهند مثلاً: "الاح، بی شعور، حمال و..... به تو می گویند؟
- ۳ آیا در خانه به تو می گویند که ای کاش به دنیا نمی آمدی یا ای کاش می مردی؟
- ۴ آیا در خانه تو را به قصد تنبیه در اطلاقی گذاشته و در را قفل می کنند (یعنی زندانی می کنند)؟
- ۵ آیا در خانه با تو با خشم و عصبانیت رفتار می کنند به طوری که بترسی؟
- ۶ آیا در خانه تو را به خاطر اشتباهات دعوا می کنند به طوری که گریه کنی؟
- ۷ آیا در خانه تو را با بچه های فامیل و دوستان مقایسه می کنند؟ (مثلاً) "می گویند آنها از تو خیلی بهتر و باهوشتر هستند"
- ۸ آیا برای تنبیه کردن تو را از خانه بیرون می کنند؟
- ۹ آیا در خانه می گویند که تو را برای همیشه تنها می گذارند؟
- ۱۰ آیا در خانه به قصد تنبیه چیزهایی را که دوست داری از تو می گیرند یا وسایل تو را می شکنند؟ (مثلاً) "اسباب بازی هایت را از تو می گیرند یا می شکنند"

بخش

فیزیکی

- ۱۱ آیا در خانه تو را با مشت و لگد یا با کمر بند یا چوب و چیزهای دیگر کتک می زنند؟
- ۱۲ آیا در خانه به قصد تنبیه موهای تو را می کشند؟
- ۱۳ آیا در خانه به قصد تنبیه با سیلی به سر و صورت تو می زنند؟
- ۱۴ آیا در خانه به قصد تنبیه گلریت را می گیرند و فشار می دهند؟
- ۱۵ آیا در خانه به قصد تنبیه وسایل خانه را به طرف تو پرتاب می کنند؟
- ۱۶ آیا در خانه به قصد تنبیه تو را می سوزانند یا داغ می کنند؟
- ۱۷ آیا در خانه به قصد تنبیه گوش تو را می پیچانند؟
- ۱۸ آیا در خانه به قصد تنبیه تو را محکم تکان داده یا به زمین می کوبند؟
- ۱۹ آیا در خانه به قصد تنبیه انگشتان تو را محکم فشار می دهند؟
- ۲۰ آیا در خانه به قصد تنبیه تو را نیشگون می گیرند؟

بخش غفلت

- ۲۱ آیا وقتی مریض می شوی خانواده ات تو را نزد پزشک می برند؟
- ۲۲ آیا لباسها و کفشهایی را که می پوشی دوست داری؟
- ۲۳ آیا لباسها و کفشهای کهنه و کثیف می پوشی؟
- ۲۴ آیا در خانه کتاب و لوازم مدرسه (مثل مداد، دفتر، خودکار و...) را که تو احتیاج داری برایت می خرند؟
- ۲۵ آیا در خانه وقتی که گرسنه باشی برای تو صبحانه، ناهار و شام درست می کنند؟
- ۲۶ آیا فکر می کنی خانواده ات تو را دوست دارند؟

با کمی دقت می‌توان متوجه شد که پرسشنامه مذکور تا چه اندازه ابعاد پیچیده موضوع را ساده سازی کرده است. مثلاً این پرسشنامه به موضوع کم توجهی و نظارت اندک والدین توجهی ندارد. گویه‌ها فقط رفتارهای کاملاً نامناسب را می‌سنجند. گاهی کودک آزاری به کم توجهی و نظارت اندک والدین بر می‌گردد.

در جامعه انسانی سوء رفتار عاطفی / روانشناختی زیربنای همه سوء رفتارهاست و متأسفانه وقتی از کودک آزاری صحبت می‌شود بسیاری از والدین احساس می‌کنند که خودشان کودک آزار نیستند. در اینجا به خاطر اهمیت موضوع و کم توجهی والدین و متولیان امر، سوء رفتار عاطفی / روانشناختی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بدرفتاری روانشناختی "کودکان"

سوء رفتار عاطفی و روانی دشوارترین نوع سوء استفاده یا غفلت در تعریف یا منزوی شدن است. برخی از کارشناسان رشد کودک معتقدند که تقریباً همه والدین مقصر سوء رفتار عاطفی کودکان در برخی مواقع یا سایر موارد هستند. پیام‌های مبهم که ما به کودکان در فرهنگ خود می‌دهیم حتی مورد سوء استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال، این پیام‌های مختلط را در نظر بگیرید: یک مادر به فرزندان خود می‌آموزد که دروغ نگویند بلکه اظهار نظر می‌کند، «به پدر نگو که من امروز این را خریده‌ام!» یک پدر به فرزند خود می‌گوید: «من نمی‌فهمم چرا نمی‌توانید در مدرسه بهتر کار کنید. من در سن تو بودم، برای خرید کتابهایم کار کردم و سه کیلومتر پیاده به مدرسه می‌رفتم. من ارزش آموزش را می‌فهمیدم.» پیام واضح برای کودک این است که «شما چه بچه تنبل و قدرشناسی هستی».

در حقیقت، سوء رفتار عاطفی / روانشناختی زیربنای انواع سوء استفاده یا غفلت است. مطالعات به ما می‌گویند که نتایج ضربات جسمی تا زمانی که پیام‌هایی که با آنها همراه نیست ادامه ندارد. با همین تعبیر، این دستکاری روانی است که زمینه ارتکاب به سوء استفاده جنسی را ایجاد می‌کند و یا باعث ایجاد درد و زخم برای قربانیان خود می‌شود.

تلاش برای تعریف سوء استفاده روانی سابقه طولانی دارد. بینگلی، هارت و براسارد (۲۰۰۱)^{۱۲} توضیح می‌دهند که بسیاری از اساسنامه‌های قانونی صرفاً بدون تعریف اصطلاح به آسیب روانی اشاره می‌کنند. اصطلاحات اولیه ظلم روحی و بدرفتاری عاطفی بود. امروزه بسیاری از نظریه‌پردازان تعریف را به دو بخش تفکیک می‌کنند: سوء استفاده عاطفی / روانی (از جمله سوء استفاده‌های کلامی یا عاطفی، آسیب‌های تهدید شده یا حبس) و غفلت عاطفی / روانی (از جمله تغذیه ناکافی، محبت ناکافی، امتناع از ارائه مراقبت کافی یا آگاهانه اجازه دادن برای انجام رفتارهای ناسازگار مانند مصرف مواد مخدر یا بزهکاری) (بارلو و مک میلان، ۲۰۱۰؛ گارارینو و اکنرود، ۱۹۹۷؛ ایوانیک، ۲۰۰۶؛ اوگانگان، ۱۹۹۸؛ ویتمن، ۲۰۰۲؛ وای، ۱۹۹۷). با این حال، چنین تمایزهای زیبایی اغلب در مواجهه با واقعیت دچار اختلاف می‌شوند. بعضی از والدین هم سوء استفاده عاطفی دارند و هم از نظر عاطفی غفلت می‌کنند و در برخی شرایط تشخیص یکی از دیگری دشوار است.

اجماع امروز این است که سوء رفتار عاطفی یا روانی یک واقعه منزوی و جدا نیست بلکه الگوی رفتاری مخرب روانی است که ممکن است هر یک از موارد زیر را شامل شود:

۱. رد کردن:^{۱۳} بزرگسال از امتناع ارزش کودک و حقانیت نیازهای کودک خودداری می‌کند.
۲. منزوی کردن:^{۱۴} بزرگسالی کودک را از تجربیات عادی اجتماعی منزوی می‌کند، مانع ایجاد روابط دوستانه کودک می‌شود و کودک را به این باور می‌رساند که در جهان تنها است.
۳. ایجاد وحشت:^{۱۵} بزرگسالان به‌طور شفاهی کودک را مورد هجوم قرار می‌دهند، جو ترس ایجاد می‌کند، کودک را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد و کودک را می‌ترساند و کودک را باور می‌کند که جهان خصمانه و ناامن است.
- ۴- نادیده گرفتن:^{۱۶} بزرگسالی کودک را از تحریک، خنثی کردن رشد عاطفی و رشد فکری منع می‌کند.

¹¹ . psychological maltreatment

¹² . Binggeli, Hart, and Brassard

¹³ . Rejecting

¹⁴ . Isolating

¹⁵ . Terrorizing

¹⁶ . Ignoring

۵. تخریب کردن:^{۱۷} بزرگسالی کودک را تشویق می‌کند تا درگیر رفتارهای مخرب و ضد اجتماعی شود، انحراف را تقویت کرده و کودک را برای تجربه اجتماعی عادی ناپایدار می‌کند (بارلو و مک میلان، ۲۰۱۰؛ بینگلی و همکاران، ۲۰۰۱؛ گارارینو و اکنرود، ۱۹۹۷؛ ایوانیکی، ۲۰۰۶؛ ویتمن، ۲۰۰۲).

ویه^{۱۸} (۱۹۹۷) دو رفتار اضافی به این لیست اضافه می‌کند: از بین بردن اموال شخصی و شکنجه یا از بین بردن حیوان خانگی. او همچنین پیشنهاد می‌کند که خواهر و برادر نیز همانند والدین می‌توانند از نظر عاطفی از کودک سوء استفاده کنند. اگرچه ممکن است همه این رفتارها در رابطه با یا به عنوان جزئی جدایی ناپذیر از سوء استفاده جسمی، غفلت یا سوء استفاده جنسی دیده شود، سوء استفاده عاطفی / روانی شاید تنها نوع حمله به کودکان باشد که می‌تواند به تنهایی نیز انجام شود. سخنان آزار دهنده، بی‌توجهی جدی یا نگرش خصمانه می‌تواند برای ایجاد زخم‌های شدید کافی باشد. حرکت از این اصطلاح به سوی تعریف سوء استفاده عاطفی توسط بسیاری از نظریه پردازان معاصر پشتیبانی می‌شود (O'Hagan, 1998). نشان می‌دهد که اصطلاحات زیر که در حال حاضر در ادبیات به کار رفته‌اند بیشتر در حوزه روانشناسی است: (۱) شکنجه روانی (که غالباً در سوء استفاده آیینی دیده می‌شود). (۲) وحشت روانشناختی (ایجاد ترس شدید در کودک). (۳) آسیب روانی (اعمالی که در بهزیستی ذهنی کودک تأثیر دارد). و (۴) عدم دسترسی روانشناختی (غیبت در مراقبت از کودک). این نویسنده در ادامه به تفکیک اصطلاحات سوء استفاده عاطفی^{۱۹} و سوء استفاده روانی^{۲۰} به صورت زیر می‌پردازد:

سوء استفاده عاطفی عبارت است از پاسخ عاطفی پایدار، تکراری، نامناسب به بیان احساسات کودک و رفتار بیانگر همراه آن (ص ۲۸). سوء استفاده روانشناختی یک رفتار پایدار، تکراری، نامناسب است که به پتانسیل خلاق و رشد مهارت‌های ذهنی و فرآیندهای ذهنی بسیار مهم کودک آسیب می‌رساند یا به طور قابل ملاحظه‌ای آن را کاهش می‌دهد. اینها شامل هوش، حافظه، شناخت، درک، توجه، زبان و پیشرفت اخلاقی است (ص ۳۴).

ارائه تعریف واضح از بدرفتاری روانشناختی هنگامی پیچیده‌تر می‌شود که افراد در مورد شیوه‌های مختلف خرده فرهنگ‌هایی که فرهنگ کل کشور را تشکیل می‌دهند در نظر بگیرند. چندین فرهنگ از شرم^{۲۱} به عنوان ابزاری قدرتمند برای اطمینان از اطاعت و رفتار قابل قبول فرزندان خود استفاده می‌کنند. از شرم و شرمسار کردن به طور سنتی برای تقویت انتظارات خانوادگی و رفتار مناسب در داخل و خارج از خانواده استفاده می‌شود. فردی که نادرست رفتار می‌کند، «چهره خود را از دست می‌دهد» (از بین رفتن آبرو) و همچنین ممکن است باعث شود خانواده، اجتماع یا جامعه اعتماد به نفس و پشتیبانی را از کودک دریغ کنند (Lum, 2007؛ Fontes, 2008).

آیا بین سوء رفتار روانشناختی و چالش تحریک رشد تفاوت وجود دارد؟ بسیاری از نویسندگان ادعا می‌کنند که وجود دارد. چالش تحریک رشد، هنگامی که در بستر یک رابطه دلسوز و حامی رخ دهد، برای تقویت حس خود و ایجاد شخصیت طراحی شده است. از طرف دیگر سوء استفاده روانشناختی به روش‌های اساسی به فرد حمله می‌کند و موجب ناتوانی وی می‌شود (بنکووسکی، ۱۹۸۹). بنابراین، عمل پذیرفته شده فرهنگی که برای تقویت شخصیت کودک در نظر گرفته شده است، احتمالاً در نگاه والدین و فرزندان سوء استفاده نیست و بنابراین احتمالاً جای زخمی را بر جا نمی‌گذارد (بینگلی و همکاران، ۲۰۰۱؛ براسارد و هاردی، ۱۹۹۷؛ گارارینو، گوتمان و سیلی، ۱۹۸۶؛ هارت و همکاران، ۲۰۰۲؛ ایوانیک، ۲۰۰۶؛ اوگانگان، ۱۹۹۸).

برای تعریف بیشتر سوء استفاده روانشناختی به روشی که به ما در توجه به تغییرات فرهنگی کمک کند، می‌توان گفت که این امر شامل اعمال یا حذفیاتی از سوی والدین می‌شود که رشد عزت نفس سالم، امکان دستیابی و حفظ صمیمیت و روابط و توسعه شایستگی‌های اجتماعی را به خطر می‌اندازد (بارلو و مک میلان، ۲۰۱۰).

حتی بعد از اینکه سوء استفاده روانشناختی را از نظر عملیاتی تعریف کردیم، زمانی می‌توان مداخله کرد و خدمات محافظتی ارائه داد که اثبات شود سوء استفاده رخ داده است. بنابراین، باید سه مؤلفه قابل مشاهده وجود داشته باشد: (۱) رفتار والدین

¹⁷ . Corrupting

¹⁸ . Wiehe

¹⁹ . emotional abuse

²⁰ . psychological abuse

²¹ . shame

قابل شناسایی باشد. (۲) اثبات شود که (در اینجا و اکنون، برخلاف زخم‌های آینده) به کودک آسیب می‌رساند. و (۳) پیوند علی بین رفتار والدین و آسیب به کودک (بروس، کروگمن، لنهر، روزنبرگ و اشمیت، ۱۹۸۸، ص ۵۴۴). بسیاری از شیوه‌های تربیت فرزند، همانطور که قبلاً نیز گفته شد، چنان در ارزش‌های فرهنگی ما نقش بسته‌اند که تشخیص سوءاستفاده آن بسیار دشوار است. بنابراین، شاید تعیین این مسأله که کودکی که خودپنداره ضعیفی دارد و در مدرسه به طور ضعیف عمل می‌کند، کار ساده‌ای نباشد و این خودپنداره ضعیف به دلیل فشارهای شدید که برای موفقیت به وی وارد می‌شود، باشد، نه اینکه نتیجه برخی عوامل دیگر باشد.

ریشه‌های روانشناسی بد رفتاری

فرزندان ما قربانی این دیدگاه روز به روز می‌شوند که فرزندپروری شغل کثیف و ناامید کننده‌ای است و این دقیقاً به جای غنی سازی نقش والدین در مسیر رشد و زندگی کودکان آن را تخریب می‌کند. وقتی که از مادی می‌پرسیم غیر از پرورش فرزندان در زندگی چه کاری انجام داده‌اید، به یک معنا تأکید داریم که فرزندپروری شغل نیست و فاقد احترام است. وقتی یک فرهنگ، جایگاه را از نقش مادر یا پدر دور می‌کند، عزت نفس مفروض آن نقش کم می‌شود. به نظر می‌رسد جامعه به جای احترام به آنها برای انجام یک کار فوق‌العاده، والدین را مجازات می‌کند. به نظر می‌رسد فقط مشاغل موجود در «دنیای واقعی» چنین احترامی را کسب می‌کنند (کوویتز، ۱۹۹۰، ص ۷).

نگرش غالب بسیاری از جامعه مبنی بر اینکه فرزندپروری یک کار غیرقابل عقب ماندگی است، مسلماً زمینه را برای سوء استفاده روانی فراهم می‌کند. حتی خانواده‌هایی که واحد خانواده آنها با ارزش‌ترین ساختار اجتماعی است و فرزندانشان شیوه زندگی غالب این کشور را در پیش گرفته‌اند و ارزش‌های دنیای قدیمی را زیر سؤال می‌برند (یا کاملاً آنها را رد می‌کنند) دچار اختلاف نظر می‌شوند. اما کوویتز (۱۹۹۰) ادامه می‌دهد که فراتر از جو اجتماعی، سوء رفتار عاطفی / روانی ناشی از «نیازهای سالم خودشیفتگی» (ص ۶) والدین می‌باشد. گاربارینو و اکنرود (۱۹۹۷) ادعا می‌کنند که بدر رفتاری روانشناختی نه تنها در الگوهای ارتباطات خانوادگی ناکارآمد بلکه در فشارهای اجتماعی که بر خانواده تأثیر می‌گذارد ریشه دارد. اختلال در خانواده، یک رابطه زناشویی غیر اخلاقی، طلاق و عوامل استرس‌زا در خارج مانند فقر، بیکاری، تحرک و انزوا می‌تواند فضایی برای این نوع سوء رفتار فراهم کند. تعصبات نیز عوارض خود را می‌گیرد.

خود بچه‌ها چقدر در ابتلای به بدر رفتاری روانشناختی نقش دارند؟ مانند سوء استفاده جسمی، کودکان مورد آزار روانی غالباً توسط والدین خود دشوارتر و متفاوت درک می‌شوند یا نمایانگر چیزی هستند که والدین را خشمگین می‌سازند. بنابراین، کودک ممکن است سوء رفتار خود را آغاز کند، اما او لزوماً علت آن نیست. در عوض، نکته مهم این است که این کودک توسط دیگری چگونه درک می‌شود. به عنوان مثال، کودک بیش فعال، ضمن تحریک سوءاستفاده توسط یک نوع والدین، ممکن است از سوی والدین دیگر درک شده و کمک دریافت کند. بار دیگر تأکید می‌کنیم که اغلب انتظارات والدین از فرزندانشان تعیین می‌کند که چگونه می‌توانند با فرزندان برخورد خوبی داشته باشند.

همواره تمایل به پیوند دادن اختلال عاطفی به سوء رفتار با والدین وجود داشته است. گاربارینو و همکاران، (۱۹۸۶) ادعا کردند که «کودکان آشفته از نظر عاطفی فقط به خاطر سوء رفتار دچار مشکل نمی‌شوند. علل و ریشه‌های متعددی برای اختلال در رشد شخصیت آنها وجود دارد» (ص ۵).

ویژگی‌های کودک از لحاظ روانشناختی سوء رفتار

کودکانی که توسط والدین و یا حتی خواهر و برادرشان از لحاظ عاطفی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند، احساس عدم کفایت، منزوی بودن، ناخواسته یا دوست نداشتن دارند. عزت نفس آنها پایین است و آنها خود را بی‌ارزش می‌دانند (Barlow and MacMillan, 2010).

کودکان به یکی از دو روش به چنین پیام‌هایی پاسخ می‌دهند: آنها حالت تهاجمی به سمت دیگران می‌گیرند، خصمانه می‌شوند، متجاوز می‌شوند و مشکلات رفتاری نشان می‌دهند، یا عصبانیت خود را به سمت خودشان بر می‌گردانند، خود مخرب، افسرده، عقب نشینی یا خودکشی می‌شوند. برخی از این کودکان همچنین شکایات جسمی دارند (به عنوان مثال، سردرد، آسم، کولیت، عادات عصبی) یا اختلالات خواب.

تحولات و پویایی خانواده

این صحنه غالباً قبل از به دنیا آمدن کودکان برای سوءاستفاده عاطفی و غفلت تنظیم شده است. کوویتز (۱۹۹۰) موقعیت‌های مختلفی را مطرح می‌کند که خانواده را به سوء رفتار با فرزندانشان سوق می‌دهد. والدینی که «با همسری نامناسب ازدواج می‌کنند» (ص ۲۹)، از شریک زندگی خود سرخورده می‌شوند و آگاهانه یا ناخودآگاه به دنبال جایگزینی برای تخلیه خشم و سرخوردگی خود می‌گردند. والدینی که بارداری ناخواسته دارند و یا به دلایل غیرواقعی صاحب فرزند می‌شوند، ممکن است دریابند که ناامیدی‌هایشان روی این کودکان تخلیه می‌شود. والدینی که نیازهای شخصی آنها در دوران کودکی برآورده نشده است ممکن است چنان درگیر تأمین نیازهای دوران کودکی خودشان شوند که کودک برای آنها بار سنگین و مزاحم تلقی شود (دوتون، ۲۰۰۷؛ ایوانیکی، ۲۰۰۶؛ اوهاگان، ۱۹۹۸؛ ویتمن، ۲۰۰۲).

مورو (۱۹۸۷) اظهار داشت که بدرفتاری روانی می‌تواند محصول طبیعی الکیسم باشد و نشان می‌دهد وقتی والدین مشروبات الکلی مصرف می‌کنند، ممکن است فرزندان قربانی انواع مختلف سوء استفاده شوند. حتی در صورت عدم سوء استفاده آشکار، این کودکان با این وجود از نظر عاطفی محروم می‌شوند، از والدین خود بیگانه می‌شوند و احساس انزوای اجتماعی می‌کنند. کودکان در خانواده‌های معتاد به الکل و مواد مخدر نه تنها در معرض سوءاستفاده‌های عاطفی والدین قرار دارند بلکه از سوء استفاده عاطفی دست دوم نیز در قالب شرم و تحقیر رنج می‌برند (همپتون و همکاران، ۱۳۹۳).

امروزه با وجود شیوع زیاد جدایی و طلاق، کودکان ممکن است قربانیان بی‌گناه جنگ روانی بین والدین خود شوند. مطمئناً انحلال اتحاد والدین در هر صورت بر فرزندان تأثیر دارد. کودکان در وفاداری خود به والدین دچار مشکل می‌شوند، از آینده خود می‌ترسند و نسبت به آنچه درک می‌کنند باید برای انجام این ناآرامی انجام دهند احساس گناه می‌کنند. جهت رسیدگی به نگرانی، والدین دلسوز می‌توانند به کودکان کمک کنند تا حدی این طوفان را پشت سر بگذارند. با این حال، والدینی که گرفتار خشم و تلخی خود هستند ممکن است به فرزندان خود سوء استفاده روانی اضافی وارد کنند. این والدین ممکن است نه تنها از نیازهای روزانه فرزندان خود آگاه نباشند، بلکه ممکن است اصرار داشته باشند که بچه‌ها طرفدار آنها شوند. آنها همچنین ممکن است از این واقعیت چشم‌پوشی کنند که از همسری که بیزارند و انتقاد می‌کنند نیمی از میراث کودک است. بنابراین، تهمت زدن به طور مداوم به این شریک زندگی ادامه دارد و کودک نیز آن را انجام می‌دهد (O'Hagan, 1998). همچنین بیان کرده که ممکن است برخی والدین مبتلا به بیماری روانی «پاسخ عاطفی نامناسب به ابرازات احساسی فرزندان خود» نشان دهند (ص ۸۹). بعلاوه، این واقعیت که ممکن است والدین در داخل و خارج از خانه باشند، به دلیل بستری بودن در بیمارستان، حضور یا عدم حضور آنها بر فرزندان تأثیر خواهد گذاشت.

مشکل در تشخیص و درمان سوء استفاده روانی

غالباً، سوءاستفاده عاطفی در میان شیوه‌های پرورش فرزند در فرهنگ ما پنهان است. بنابراین، تشخیص آنچه که واقعاً سوءاستفاده است بسیار دشوار است. معمولاً، شناخت مجدد از نتایج حاصل می‌شود، کودکی که فریاد می‌زند، جدا می‌شود، یا به ما اجازه می‌دهد که به او کمک کنیم. متأسفانه، مداخله توسط سرویس‌های محافظتی غالباً به توانایی آژانس‌ها در مستندسازی و شاید حمایت از وجود سوء استفاده در دادگاه از طریق شواهد ملموس، قابل مشاهده و مشخص بستگی دارد. اثبات یا مستندسازی سوء استفاده عاطفی آسان نیست و بنابراین ممکن است بدون توجه بماند یا درمان نشود. با این حال، به طور فزاینده، دولت‌ها و آژانس‌های محافظ در حال تدوین اساسنامه یا سیاستی هستند که سوءاستفاده عاطفی را برطرف می‌کنند. مطمئناً اینها پیشرفت را نشان می‌دهند. ممکن است تا زمانی که ما به عنوان یک جامعه یاد بگیریم که برای آنها ارزش بیشتری قائل شویم، فرزندانمان در برابر سوءاستفاده عاطفی محافظت نخواهند شد. بنابراین، حقوقی که کودکان دارند و همچنین حمایت از آنها به خوبی رعایت نشود.

سوء استفاده آیینی نوع دیگری از بدرفتاری است که تأثیر عاطفی بر روی کودکان دارد. با توجه به شناخت نسبتاً جدید این نوع کودک آزاری، تشخیص و معالجه اغلب دشوار است.

سوءاستفاده آیینی^{۲۲}

تعیین بخش مناسب که در آن می‌توان به بحث در مورد کودک آزاری آیینی اشاره کرد دشوار است. بیشتر اوقات، در قلمرو سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرد، اما جنبه‌های جسمی نیز وجود دارد. من این موضوع را انتخاب کردم تا در مورد پدیده مورد سوء استفاده روانشناختی بحث کنم، زیرا به نظر می‌رسد آسیب‌زاترین عامل تأثیر روانی چنین زخم‌های روانی است. این سؤال پیش می‌آید: آیا چیزی به نام کودک آزاری آیینی وجود دارد؟ برخی از نویسندگان معتقدند که وجود ندارد و گزارش‌های به اصطلاح بازماندگان در قلمرو خاطرات کاذب قرار می‌گیرند (فالر، ۲۰۰۳؛ فریزر، ۱۹۹۷؛ جنکینز، ۱۹۹۸؛ نولیتل و نوبلت، ۲۰۰۸؛ اسنیدر ناتان، ۲۰۰۱). جنکینز (۱۹۹۸) توضیح می‌دهد که با وجود گزارش‌های بی‌شماری به آژانس‌های حمایت از کودک، پوشش رسانه‌ها و نشریات، هیچ مدرک محکمی مبنی بر وجود فرقه‌های شیطان پرستی که سوء استفاده از آیین‌های مذهبی را انجام می‌دهند وجود ندارد و «یک تسلط زودگذر پسامدرن از توهم ایجاد شده بر واقعیت ظاهراً عینی» است (ص ۱۷۷). در طرف دیگر این استدلال نویسندگان هستند و بازماندگان گزارش شده که ادعا می‌کنند این نوع سوءاستفاده بسیار واقعی است (Noblitt and Perskin, 2000, Noblitt ؛ Noblitt, 2008) مراجعه کنید.

کسانی که سوءاستفاده را گزارش می‌کنند، سوءاستفاده جنسی را در قالب رابطه جنسی گروهی، تجاوز به کودک و قرار دادن اشیاء مختلف در واژن و روده بزرگ توصیف می‌کنند. سوء استفاده جسمی به صورت سوزش، بریدن و اشکال دیگر شکنجه است. سوء استفاده عاطفی با تهدید، عدم تحریف، شاهد قتل و سوء استفاده جنسی از دیگران؛ در معرض کنترل ذهن، حبس و پورنوگرافی قرار دارند و مجبور به خوردن ترشحات بدن (فالر، ۲۰۰۳؛ هجز، ۱۹۹۷؛ Noblitt, 2008, Perskin, 2000). گسترش تکنولوژی‌های جدید و عکسبرداری از کودکان و سوء استفاده از این تصاویر یک موضوعات داغی است که متخصصان را درگیر کرده است. راستی در برخی از فرهنگ‌ها که چند جای بدن را به خاطر زیبایی و آویختن وسائل تزئینی سوراخ می‌کنند یا از دختر بچه‌ها می‌خواهند که به خاطر زیبایی رژیم‌های غذایی سختی را تحمل کنند جزء سوء استفاده آیینی نیست؟

چگونه می‌توان از سوء استفاده از کودکان و نادیده گرفتن آنها جلوگیری کرد؟

برای محافظت از کودک خود از سوء استفاده:

به فرزندتان گوش دهید. اجازه دهید که او در صحبت با شما در باره هر چیزی احساس امنیت کند. دوستان و خانواده‌های دوستان فرزندتان را بشناسید. تمام مراکز مراقبت از کودکان، مثل مراکز پرستاری از بچه و مهد کودک‌ها، که به کودک شما سرویس می‌دهند را دیده‌بانی کنید. ببینید در مورد سلامت کودک، باروری کودک و مراقبت از کودک چه می‌دانند. به کودک خود در مورد تفاوت بین لمس‌های خوب و بد آموزش دهید. در صورتی که قبلاً قربانی سوء استفاده شده‌اید، کمک بگیرید. داشتن یک سابقه سوء استفاده، احتمال این را که شما را تبدیل به یک سوء استفاده‌گر کند افزایش می‌دهد. دفترچه تلفن محلی خود یا وب سایت استانی را برای دریافت کمک در منطقه خود یاد داشت و از آن استفاده کنید.

برای کمک به کودکان:

یاد بگیرید که نشانه‌های سوء استفاده و غفلت از کودک را تشخیص دهید. به عنوان مثال، یک کودک ممکن است، آن چنان که مورد انتظار است، رشد نکند، ممکن است کثیف و یا ناسالم باشد، یا ممکن است ترس، اضطراب، یا افسردگی در او ظاهر شود. یک مدافع برای کودکان باشید. از هر گروهی که به والدین در معرض سوء استفاده از فرزندانشان کمک می‌کنند حمایت کنید. زمان، پول یا کالا به یک پناهگاه محلی برای فرار از خشونت خانگی اختصاص دهید. اگر شاهد سوء استفاده یا غفلت از کودک بودید، در مورد آن صحبت کنید. زندگی کودک ممکن است به آن بستگی داشته باشد.

²². ritualistic abuse

کارهایی که والدین هرگز نباید انجام دهند:

۱. هرگز کودکان را با اسم‌های نفرت انگیز صدا نزنید.
۲. هرگز کودک خود را تهدید به رها کردن نکنید.
۳. هرگز نگو، «کاش هرگز به دنیا نیامده بودی!»
۴. هرگز تلاش همسران را در زمینه نقش والدین تخریب نکنید.
۵. هنگامی که کنترل خود را از دست داده‌اید، هرگز مجازات نکنید.
۶. هرگز از کودک انتظار نداشته باشید که مانند یک بزرگسال فکر کند، احساس کند یا رفتار کند.

نتیجه گیری

کودک آزاری به عنوان شیوه‌های نامناسب والدین مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. کودک آزاری به صورت‌های مختلف ظهور می‌کند. سوء رفتار عاطفی و روانی دشوارترین نوع سوء استفاده یا غفلت از کودکان است. سوء رفتار روانشناختی از مدت‌ها قبل مورد بحث بوده است. سوء استفاده روانی چیست؟ اگرچه این سوء استفاده زیربنای سوء استفاده جسمی و جنسی و بی‌توجهی است، اما ممکن است به تنهایی نیز وجود داشته باشد. برخی از نویسندگان در تلاش برای تعریف سوء رفتار عاطفی، آن را به سوء استفاده عاطفی و غفلت عاطفی تقسیم می‌کنند. بیشتر افراد قبول دارند که این امر شامل طرد و رد کردن، منزوی سازی، ایجاد وحشت، نادیده گرفتن و تخریب کردن آنها می‌شود. ویه (۱۹۹۷) از بین بردن اموال شخصی و شکنجه حیوانات خانگی متعلق به کودکان را به این لیست اضافه می‌کند.

با توجه به اینکه جامعه ایران تلفیقی از بسیاری از خرده فرهنگ‌ها است، تعیین اینکه چه موقع اعمال فرهنگی سوء استفاده عاطفی هستند به سختی تعیین می‌شود. سوالی که می‌توان پرسید این است: «این شیوه‌ها چه تأثیری روی کودکان درگیر دارد؟» سوء رفتار روانشناختی ریشه در انواع نواقص اجتماعی و شخصی دارد. کودکانی که از لحاظ عاطفی / روانی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، از خود عصبانیت، مشکلات رفتاری، افسردگی، گوشه گیری و شکایات جسمی را نشان می‌دهند. والدینی که بدرفتاری عاطفی دارند، اغلب از زندگی خود سرخورده می‌شوند، از نظر عاطفی نیازمند هستند، یا شاید سوء مصرف کننده مواد هستند. غالباً این والدین از والدین خود الگوی نامناسبی برای فرزندپروری داشته‌اند. نظر به اینکه سوء رفتار روانشناختی به سختی قابل مستندسازی است، کودکانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند یا مورد غفلت قرار می‌گیرند، همیشه خدماتی را که حق آنهاست دریافت نمی‌کنند.

منابع و مراجع

- ۱- بنکووسکی (۱۹۸۹)، به نقل از: شیلا تقی‌خانی، «پیامدهای کودک‌آزاری»، نشریه دنیای روان‌شناسی، تهران، دانشگاه الزهراء ۱۳۸۰.
- ۲- حسین‌خانی، زهرا، نجات، سحر، مجد زاده، رضا، مهران، منوچهر، افلاطونی، علی (۱۳۹۲)، «طراحی پرسشنامه کودک آزاری در ایران»، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره یازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، صفحات ۲۹ تا ۳۸.
- ۳- خوشابی، کتایون؛ (۱۳۸۷)، کودک آزاری (انواع آزار جسمی، جنسی، عاطفی و بی‌توجهی به کودکان)، تهران: نشر قطره، چاپ اول.
- ۴- شفیع‌پور، زهرا (۱۳۸۰)، سهل‌انگاری و سوء رفتار با کودک، تهران، نشر سالمی.
- ۵- هاشمی، عصمت، آذری، هاجر، کریمی طالقانی، ماه‌نساء (۱۳۹۸)، «علل کودک‌آزاری (در ۱۲ مورد گزارش شده)»، مجله پزشکی قانونی ایران، پاییز ۱۳۹۸، دوره بیست و پنجم، شماره ۳، صفحات ۲۱۰ تا ۲۱۶.
- ۶- همپتون و همکاران (۱۳۹۳)، به نقل از: حسین اسدبیگی، «کودک‌آزاری در خانواده‌های مبتلا به سوء مصرف مواد مخدر»، ژرفای تربیت، ش ۳، ۱۳۸۰.
- 7- Barlow, J., and McMillan, A. S. (2010). Safeguarding Children from Emotional Maltreatment. London: Jessica Kingsley.
- 8- Berns, Roberta M. (2013). C HILD , Family, School , Community, Socialization and Supprot, Ninth Edition, USA. Wadsworth, Cengage Learning.

- 9- Binggeli, N. J., Hart, S. N., and Brassard, M. R. (2001). *Psychological Maltreatment of Children*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- 10- Brassard, M. R., and Hardy, D. B. (1997). "Psychological Maltreatment." In *The Battered Child*, edited by M. E. Helfer, R. S. Kempe, and R. D. Krugman (pp. 392–412). Chicago: University of Chicago Press.
- 11- Bross, D. C., Krugman, R. D., Lenherr, M. R., Rosenberg, D. A., and Schmitt, B. D. (Eds.). (1988). *The New Child Protection Team Handbook*. New York: Garland.
- 12- Burnett, B. B. (1993). "The Psychological Abuse of Latency Age Children: A Survey." *Child Abuse and Neglect* 17(4):441–454.
- 13- Covitz, J. (1990). *Emotional Child Abuse: The Family Curse*. Boston: Sigo Press.
- 14- DeRobertis, E. M. (2004). "The Impact of Long-Term Psychological Maltreatment by One's Maternal Figure: A Study of the Victim Perspective." *Journal of Emotional Abuse* 4(2):27–51.
- 15- Dutton, D. G. (2007). *Abusive Personality*. New York: Guilford.
- 16- Faller, K. C. (2003). *Understanding and Assessing Child Sexual Maltreatment*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- 17- Fontes, L. A. (2008). *Child Abuse and Culture*. New York: Guilford.
- 18- Fraser, G. A. (1997). *Dilemma of Ritual Abuse*. Washington, DC: American Psychiatric Publishers.
- 19- Garbarino, J., and Eckenrode, J. (1997). *Understanding Abusive Families*. New York: John Wiley & Sons.
- 20- Garbarino, J., Guttman, E., and Seeley, J. W. (1986). *The Psychologically Battered Child*. San Francisco: Jossey-Bass.
- 21- Hart, S. N., Brassard, M. R., Davidson, H., Rivelis, E., Diaz, V., and Binggeli, N. J. (2011).
- 22- "Psychological Maltreatment." In *The APSAC Handbook on Child Maltreatment*, edited by J. E. B. Myers (pp. 125–144). Thousand Oaks, CA: Sage.
- 23- Hedges, L. E. (1997). *Remembering, Repeating, and Working Through Childhood Trauma*. Northvale, NJ: Jason Aronson.
- 24- Iwaniec, D. (2006). *The Emotionally Abused and Neglected Child*. West Sussex, England: John Wiley and Sons.
- 25- Jenkins, P. (1998). *Moral Panic*. New Haven: Yale University Press.
- 26- Lum, D. (2007). "Social Work Practice with Asian Americans." In *Social Work: A Profession of Many Faces*, edited by A. T. Morales, B. W. Sheafor, and M. E. Scott (pp. 463–487). Boston: Allyn & Bacon.
- 27- Mass, A. E., and Geaga-Rosenthal, J. (2000). "Child Welfare: Asian and Pacific Islander Families." In *Child Welfare: A Multicultural Perspective*, edited by N. Cohen (pp. 145–164). Boston: Allyn & Bacon.
- 28- Morrow, G. (1987). *The Compassionate School: A Practical Guide to Educating Abused and Traumatized Children*. Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall.
- 29- Noblitt, J. R., and Perskin, P. (2000). *Cult and Ritual Abuse*. Westport, CT: Greenwood.
- 30- Noblitt, R., and Noblitt, P. P. (Eds.). (2008). *Ritual Abuse in the Twenty-first Century*. Bandon, OR.: Robert D. Reed.
- 31- O'Hagan, K. (1998). *Emotional and Psychological Abuse of Children*. Toronto: University of Toronto Press.
- 32- Skogrand, L., De Frain, J., and De Frain, N. (2007). *Surviving and Transcending a Traumatic Childhood: The Dark Thread*. New York: Haworth.
- 33- Snedeker, M., and Nathan, D. R. (2001). *Satan's Silence: Ritual Abuse and the Making of a Modern Witch Hunt*. Lincoln, NE: iUniverse.

<http://www.jhss.ir>

-
- 34- Whitman, B. (2002). "Psychological and Psychiatric Issues." In Recognition of Child Abuse for the Mandated Reporter, edited by A. P. Giardino and E. R. Giardino (pp. 137-173). St. Louis, MO: G. W. Medical.
 - 35- Wiehe, V. R. (1997). Sibling Abuse: Hidden Physical, Emotional and Sexual Trauma. Lexington, MA: Lexington Books.
 - 36- Wright, M. O. (2008). Childhood Emotional Abuse. New York: Taylor and Francis.